



مولد نور الله الأمجد  
در میلاد نور امجد خدا

هو عشقی والبارئ یشهد  
او محبوب من است و خدا شاهد آن است

وتوری دین الله مشرد  
دین خدا را می بیند که پاره پاره شده

ما بال القریة من أحمد  
اهل بیت احمد چه شدند

أین رسول الله محمد  
محمد رسول خدا کجاست؟

ما بال الرحمة تتبدد  
چه شده که رحمت رنگ باخته

رای ترفیع لا تتوحد  
پرچمهایی نامتحد برافراشته شده

کیف یُکفّر من یشهد  
چگونه کسی که شهادتین می گوید تکفیر می شود

یرفض حکمک وبه یجد  
اگر حکم تو را قبول نکند و از آن سر باز زند

أینک أنت و دین محمد  
تو کجا و دین محمد کجا

دعنی أستشرق أو ألهد  
بگذار شرق شناس یا ملحد باشم

تحیی الدمعة زکری حیب  
اشک یاد محبوب را زنده می کند

لو لم أحببه لما ذرفت  
اگر دوستش نداشتم اشکم نمیریخت

لکن العین غدت حری  
اما چشم مشتاق او شد درحالیکه

أین علیّ أین الزهرا  
علی کجاست؟ زهرا کجاست؟

أین کتاب الله وحّمه  
کتاب خدا و حکم او کجاست؟

أین نبی أرسل رحمة  
کجاست پیامبری که برای رحمت مبعوث شد؟

فی شرق الأرض و فی الغرب  
در شرق زمین و در غرب

ذاک یعرببببب ذاک یُکفّر  
یکی عربده می کشد و دیگری تکفیر می کند

یا من تقتل کل مغایر  
ای که هر مخالفی را می کشی

تفسد باسم نبی الرحمة  
به نام پیامبر رحمت فساد می کنی

اصرف نظراً أني شیع  
فکر کن من شیعه نیستم

قل لي عن دينك يا هذا  
از دینت برای من بگو

ماذا تقول بأنثى أغتصبت  
چه میگوی در مورد دختری که به او تجاوز شد

ماذا تقول بقوم جُمعوا  
چه می گویی در مورد قومی که جمعشان کردند

من يُحرق حيّ ما ذنبه  
کسی که زنده سوزانده می شود گناهش چیست

أي صراط أنت عليه  
در کدامین صراط هستی؟

إن قلت محمد، إنك كاذب  
اگر بگویی محمد، دروغگو هستی

عذرا مولاي من الوصف  
مولایم از این توصیف عذر می خواهم

عذرا إن سأألته باسمك  
بخشید اگر به اسم تو از او سوال می پرسم

هل كان محمد سفاحاً؟  
آیا محمد (ص) خونریز بود؟

هل أحرق نجران بنار  
آیا مسیحیان نجران را با آتش سوزاند

هل حز الرأس لمن يهذي  
آیا سر کسی را که هذیان می گوید قطع کرد

تقتل فرداً بات بوكرك  
کسی را که در آشیانه ات است میکشی

أقنعني إن كنت المنجد  
مرا قانع کن اگر منجی عالم هستی

وصلبها في فمها عمّد  
و صلیبش را در دهانش فرو کردند

أشعلو في نار تتوقد  
در آتشی که شعله می کشید سوزانده شدند

أي إله قلبك يعبد  
قلبت کدامین خدای را می پرستد؟

أي نبی مني منك تودد  
کدامین پیامبر تو را دوست دارد

أينك أنت ودين محمد  
تو کجا و دین محمد کجا

هذا الوصف اليوم تحقق  
چون این توصیف امروز به حقیقت پیوسته

جرمه باسمك بات معلق  
جرم وی به اسم شما آویزان شده

هل فوق الأجساد تملق!  
آیا بر رو اجساد ژست می گرفت؟

أم أنه بالآل تقوق  
یا با اهل بیتش<sup>۱</sup> بر آنان پیروز شد

أنت فعلتها يا إذا الأحمق  
تو چنین کردی ای احمق

باسم حسين غاف ينطق<sup>۲</sup>  
آنکه در غفلت اش زمزمه حسین گفت

۱ - اشاره به داستان مباحله با مسیحان نجران

۲ - اشاره به کشتن یکی از هم زمانشان که از شدت درد چیزی شبیه حسین گفت

إنني أعلم ماذا دهالك  
من میدانم چه مرگت است

يرعب قلبك يرعب روحك  
عقلت و روحت را وحشتزده می کند

تعلم أن دمهاه سـتبقى  
می دانی که خونش باقی خواهد ماند

تحرق جـدك في تربته  
جـدت را در قبرش خواهد سوزاند

إن قـام المهـدي ونـادي  
وقتی مهدی قیام کرد و ندا سر داد

أخبره بأنك جند الشام  
به او بگو که جند الشام هستی

أنك تابع آل سعود  
که تابع آل سعود هستی

تقتل نفسك وقت الظهر  
که خودت را ظهر هنگام می کشی

ترجو الغدوة من والده  
که نهار جـدش را خواستاری

حور تصطف لك زهواً  
که حوریهایی که با افتخار در انتظارت نشسته اند

أينك أنت من الفردوس  
تو کجا و بهشت کجا

يا من تزعم أنك ناج  
ای که تصور می کنی نجات می یابی

أنت فصـيل قـل وجـوده  
تو دسته ای هستی که کمیاب شده

اسم حسين يرعب عقلك  
اسم حسین عقلت را می ترساند

يرعب صـحـبـك يرعب أهـلك  
دوستان و فامیلت را هراسان می کند

توقـد ناراً وغـداً تحـرق  
آتش برخواهد افروخت و فردا می سوزاند

تحرق كـل غـراب ينعق  
هر نحسی را که حرفی بزند خواهد سوزاند

ياللثـأر ورفـع البـيـرق  
یا لثارات و پرچم را برافراشت

أنك داعش أنك فيلق  
که داعش هستی و در لشکر دشمنی

ترجو الجنة والاسـتـبرق  
بهشت و نعمتهای بهشت را می خواهی

تحمل في جعبتك الملعق  
در جیب خشابت قاشق می گذاری

مأئدة لعيونك تزهبق  
سفره ای که به خاطر تو پهن می شود

تباً أفـكـارك يا أخـرق  
گند به افکارت ای دیوانه

أينك من ذكر يتخـد  
تو کجا و آوازه ی جاودانه کجا

أينك أنت ودين محمد  
تو کجا و دین محمد (ص) کجا

ملك الغاب بوصفك حار  
سلطان جنگل هم از وصف تو حیران است

شكلك قرد قرنك ثور  
قیافه میمون و شاخ گاو داری

فی رأسك مخ لحمار  
در سرت مغز خر است

کیف جمعیت الكل بفرد  
چگونه همه اینها را با هم جمع کردی

کیف قتلت أریح الغار  
چگونه عطر برگ بو را نابود کردی

ریحك أفسی كل عبیر  
بوی تو هر عطری را خراب می کند

آه كم أفرحت النار  
آه چقدر جهنم را شاد کردی

أنت وقود لا یتبدل  
تو هیزمی هستی که جایگزینی ندارد

تحررق ذاتك والكفار  
خودت و کفار جهنم را می سوزانی

تثعل من عینك جهنم  
از چشمانت جهنم روشن می شود

وهی لمثلک نعم الدار  
و جهنم برای امثال تو بهترین جایگاه است

لسنت أبالغ فلك ذنب  
مبالغه نمی کنم چرا که گناهی داری

تفتی للنسوة بالعار  
به زنان فتوهای شرم آور می دهی

هل كانت فی وقعة بدر  
آیا در واقعه ی جنگ بدر

تُنكح أعداد الثوار  
یک زن با تعدادی از انقلابیون نکاح می کرد؟

هل درت ثدیا لکبیر  
آیا مرد بالغ را شیر داد

لیحل لها دون ستار  
تا بر او حلال شود و بدون حجاب باشد

إن كانت أمك فعلتها  
اگر مادرت چنین کاری را کرد

اجرع أنت جثیم العار  
شرمساری اش نوش جانست

أمننا أشرف منها وأنقى  
مادر ما شریف تر و پاک تر از او است

أمننا مشكاة الأنوار  
مادر ما مشکات الانوار است

أنت حفيد الرجس وإننا  
تو نواده ی پلییدی هستی

أحفاد علی الكرار  
و ما نوادگان علی کراریم

أحفاد علی الكرار  
نوادگان علی کراریم

أحفاد علی الكرار  
نوادگان علی کراریم